

زمینه‌های سیاسی تأسیس و تداوم فرقه بهائیت

استاد راهنما: نجمه صادقی

زهرا قیصری نیا، سلیمه داودی

مدرسه علمیه فاطمیه سلام الله علیها نجف آباد، استان اصفهان

چکیده

تاریخ ادیان و به خصوص اسلام همواره شاهد مدعیان دروغین بوده است در این میان بهائیت یکی از مهمترین این جریانات می باشد. فرقه های ضاله در بستر تاریخ، تحت تاثیر عوامل مختلفی است؛ در مورد زمینه های شکل گیری فرقه بهائیت و استمرار آن تا امروز نیز زمینه های و عوامل متعدد فرهنگی؛ اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نقش داشته است که این مقاله به روش توصیفی و با ابزار کتابخانه‌ای زمینه های سیاسی را مورد بررسی قرار داده است. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که کشورهایی چون آمریکا و انگلیس و روس با توجه با شرایط سیاسی کشور ایران نقشی در تاسیس، تداوم و گسترش این فرقه داشته‌اند که البته برای پیشبرد مقاصد و رسیدن به اهداف شوم خود بوده است.

واژگان کلیدی: بهائیت، تأسیس بهائیت، تداوم بهائیت، زمینه‌های سیاسی

مقدمه

اگرچه تاریخ بشر همواره گرفتار جریان‌های انحرافی و التقاطی بوده است، اما رشد و توسعه کمی و کیفی این جریانات و جنبش‌های سیاسی مذهبی در سیهصد سال اخیر قابل تأمل است. از همان زمان که رقابت‌های کثیف استعمارگران برای تصاحب منابع مادی و معنوی خاورمیانه افزایش یافت، فرقه‌ها و مذاهب جدیدی پدید آمد از جمله آنها فرقه بهائیت بود که محصول رقابت سیاسی روس و انگلیس در قرن نوزده میلادی است. بهائیت اگر چه از بستر عقاید منحرف و التقاطی شیخیه برخاست اما در طول تاریخ تکوین خود چندین بار بین دولت‌های شیطانی و استعماری دست به دست گردید و به خاطر محتوای استعمار پسندش مورد حمایت استعمارگران قرار گرفت و اهداف آنها را در قالب‌های دینی و عوام فریبانه محقق می‌نمود.

در این زمینه مقالاتی نوشته شده است از جمله «دلائل و زمینه‌های سیاسی فرقه ای تاسیس و توسعه مدارس بهایی با تاکید بر تاریخ معاصر ایران» نوشته مهدی محمودی چراتی، که به دلائل و زمینه‌های سیاسی فرقه ای تاسیس و توسعه مدارس بهایی در تاریخ معاصر ایران پرداخته است ولی در تحقیق حاضر به زمینه‌های سیاسی تاسیس و تداوم فرقه پرداخته می‌پردازد.

مقاله شکل گیری بهائیت و پیوند با صهیونیسم از حسن لو امیرعلی که در مورد چگونگی فرایندهای سیاسی و اجتماعی شکل گیری بهائیت پرداخته است ولی در پژوهش حاضر به زمینه سیاسی تاسیس بهائیت مورد بررسی قرار گرفته است.

در این پژوهش ابتدا به مفهوم‌شناسی و سپس به بیان تاریخچه پیدایش بهائیت، زمینه‌های سیاسی تأسیس بهائیت، و عوامل ماندگاری، همچنین تشکیلاتی بودن این فرقه پرداخته می‌شود، که ایجاد اختلافات مذهبی و فرقه‌سازی و تشکیلاتی یکی از روش‌ها و راهبردهای استعمارگران برای تحقق اهداف و منافع خود بوده است.

1- مفهوم‌شناسی

بهائیت: بهائیت مصدر جعلی بهاء به معنی ارزش است، لکن به یک فرقه‌ی ساختگی که از بستر بابیت بوجود آمده، اطلاق می‌گردد، که سازنده‌ی آن خود را شخص برگزیده از طرف خدا و ملقب به بهاءالله نامید؛ از این رو به پیروان بهاءالله، بهائیان و به دین جعلی آنان بهائیت گفته می‌شود. (آیتی، 1326، ص 89)

در فرهنگ عمید در مورد این واژه آمده است: اسم فرقه‌ای که پایه‌گذار آن میرزا حسینعلی نوری ملقب به بهاءالله است، و مهم‌ترین کتاب این فرقه کتاب اقدس است. (احسائی، بی‌تا، ص 94)

آیین‌الهی: به مجموعه دستورالعمل و قوانینی که از جانب خداوند تبارک و تعالی برای هدایت و سعادت بشر فرستاده شده است «آیین الاهی» گویند.

ضددین: در اصطلاح به آن دستورات و احکام و قوانینی که در تضاد با دستورات و احکام ادیان الاهی باشد گفته می‌شود. در این نوشتار منظور از دین، «دین مبین اسلام» است.

2- تاریخچه‌ی پیدایش بهائیت

بهائیت، محصول بابیت و بابیت ریشه در انحرافات فکری شیخیه دارد. لذا برای معرفی فرقه‌ی بهائیت، باید به فرقه‌ی شیخیه برگشت. هنگامی که شیخ احمد احسائی با تفکرات رکن رابع و ظهور امام زمان (علیه‌السلام) از عالم هورقلیایی در هر جسمی که بخواهد، و ارتباط مستقیم با اهل بیت (علیهم‌السلام) از طریق خواب و مکاشفات و بی اعتباری علوم حوزوی و ... جریان انحرافی شیخیه را پایه‌گذاری کرد، از خرمن تفکرات ایشان بابیت، سر برآورد.

اما سردمداران فرقه بابیت، پا را فراتر گذاشته و از شریعت اسلام خارج شدند. علی محمد شیرازی مؤسس فرقه‌ی بابیت در ابتدا فقط ادعای بابیت امام زمان (علیه‌السلام) را داشت؛ ولی با گذشت زمان ادعاهای دیگری چون قائمیت و مهدویت و پیامبری و الوهیت نیز کرد؛ و در شعبان سال 1266 ه.ق به دستور امیرکبیر، در تبریز گلوله باران شد. (اسلمنت، بی‌تا، ص 67) در ادامه‌ی این جریان انحرافی، شاهد ایجاد فرقه بهائیت توسط حسینعلی نوری و به صورت منشعب از بابیت هستیم. فرقه‌ای که با حمایت اجانب و با سوء استفاده از جهل مردم، پدیدار شد و برخی از مردم را با ادعاهای دروغین، ولی با برنامه و بسترسازی مناسب، به ناکجا آباد کشاند.

همان‌گونه که مطرح شد، بنیانگذار آیین بهائیت میرزا حسینعلی نوری معروف به بهاءالله است، و این آیین، نام خود را از همین لقب گرفته است. پدرش میرزا عباس نوری، از مستوفیان و منشیان

عهد محمد شاه قاجار بود؛ که بعد از قتل قائم مقام فراهانی از منصب خود برکنار شد، و به شهرستان نور رفت .

در زمان ادعای بابیت سید علی محمد شیرازی، در جمادی الأولى ۱۲۶۰ هـ ق، حسینعلی جوانی بیست و هشت ساله و ساکن تهران بود؛ که در شمار نخستین گروندگان به باب در آمد. وی به ترویج بابیگری به ویژه در نور و مازندران پرداخت . وی نقش جدی و مؤثری در اجتماع شماری از بابیان در واقعه بدشت داشت؛ (اشراق خاوری، ۱۳۴۰، ص ۷۸) و در همان اجتماع چند روزه ملقب به « بهاءالله » شد. (اعتضاد السلطنه، ۱۳۶۲، ص ۲۴۵) همچنین در همان ایام (۱۲۶۵ هـ ش)، شورش بابی‌ها در قلعه شیخ طبرسی مازندران روی داد و میرزا حسینعلی همراه با برادرش یحیی که سیزده سال از او کوچک تر بود، و جمعی دیگر قصد پیوستن به بابی‌های قلعه طبرسی را داشتند، ولی در آمل دستگیر و زندانی و سپس روانه تهران شدند. پس از مدتی طمع قدرت، حسینعلی را به سمت ریاست بابیان کشاند، و این در حالی بود که علی محمدباب در کتابش یحیی صبح ازل را جانشین خود معرفی کرده بود؛ از همین جا بین دو برادر برسر جانشینی باب نزاع درگرفت . در آن زمان یحیی صبح ازل بیش از نوزده سال نداشت.

اشخاص سرشناس این فرقه همچون میرزا آقاخان کرمانی، عزیه خانم خواهر حسینعلی وعباس افندی فرزند حسینعلی و... به ریاست طلبی حسینعلی و بدنبال قدرت و ریاست بر بابیان و بهائیان اشاره می‌کنند. (افراسیابی، ۱۳۸۲، ص ۹۸) لذا نزاع‌های دو برادر به حدی می‌رسد که دولت عثمانی، یحیی و طرفدارانش را به قبرس و حسینعلی و پیروانش را به عکا، تبعید می‌کند. فرقه بهائیان به ریاست حسینعلی نوری در عکا تقویت می‌شود، و بعد از وی به ریاست عبدالبهاء (عباس افندی) که خود را مفسر کلمات پدر معرفی می‌کند ، می‌رسد و بعد از عبدالبهاء ، نوبت به شوقی افندی عقیم و اروپا دیده، می‌رسد، و بعد از مرگ مشکوک وی با اعضای بیت‌العدل که همان شورای فتوایی و رهبری بهائیان است، این فرقه هدایت می‌شود .

3- زمینه های پیدایش بهائیت

فرقه ضاله بهائیت تحت شرایط و عوامل خاصی پدیدارشد، و در شرایطی دیگر ادامه حیات داد. زمینه‌هایی که در ایجاد فرقه بهائیت نقش داشتند را می‌توان به زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی نامگذاری کرد؛ که در این مقاله به زمینه‌های سیاسی آن پرداخته می‌شود.

1-3- زمینه‌های سیاسی

علاوه بر شرایط فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، شرایط سیاسی آن روزگار نیز عامل بسیار مهمی در ظهور و تداوم این فرقه‌ها محسوب می‌شود؛ در حقیقت در آن زمان آن چه به حساب نمی‌آمد، مردم بودند و آن چه صرفاً هدف نهائی بود، منافع سران و شاهان بود؛ که مملکت را ملک شخصی خویش می‌دانستند و به تاراج می‌بردند. در این شرایط ترسناک هر چه از زمان حکمرانی اهل زور و قدرت می‌گذشت، ایران ضعیف‌تر و بیمارتر و مردم بیچاره‌تر و فقیرتر و ناتوان‌تر می‌شدند و در انتظار راه چاره‌ای بودند. افراسیابی در کتابش می‌نویسد: «غفلت دولت مردان نسبت به تمام امور و بی‌بندوباری کاخ نشینان، دیگر جایی برای تحمل و تداوم روند چپاول باقی نگذاشت.» (خمینی موسوی، بی‌تا، ص 145) بی‌ارادگی پادشاهان ظالم قاجار، سبب نفوذ و سیطره بیگانگان مخصوصاً انگلیس و روسیه در ارکان حکومت شد و دست آن‌ها را در اداره و چپاول ایران باز کرده بود؛ که حاصل آن شکست ایران در جنگ‌های ایران و روس بود، در نتیجه روحیه عمومی مردم ایران به شدت تحت تأثیر قرار گرفته و شکاف عمیقی بین دولت و ملت به وجود آورده بود. (دالگورکی، بی‌تا، ص 230) در چنین وضعیتی آنچه به مردم می‌رسید، تحقیر، فقر گرسنگی و بیماری بود. اما در مقابل، دربار قاجار که از روی خوش‌گذرانی و زیاده‌طلبی نمی‌توانست از هزینه‌های خود کم کند، به فساد مالی از قبیل رشوه‌گیری و اضافه کردن مالیات از مردم می‌پرداخت.

4- عوامل ماندگاری فرقه‌ی بهائیت

باید به این مهم نیز توجه داشت که فرقه‌های نوپا، در صورتی که از جانب قدرت‌های برتر حمایت نشوند، نمی‌توانند چندان رشد کنند و ماندگار شوند. در این‌جا لازم می‌آید به نام برخی از کشورهای استعمارگر که به صورت علنی در شکل‌گیری و رشد بابیت و ماندگاری بهائیت نقش داشتند، اشاره شود:

1-4- روسیه

روسیه، اولین دولت استعماری پیوند خورده با بابیت و بهائیت می‌باشد. در منابع معتبر خود بابیان و بهائیان شواهد و دلایل تاریخی متعددی وجود دارد که حاکی از پیوند سران این دو فرقه با امپریالیسم تزاری است؛ مثل فعالیت‌های «پرنس کینیاژ دالگورکی» مأمور اطلاعاتی سفیر و وزیر مختار دولت روسیه تزاری در ایران، که در کتاب خاطراتش می‌نویسد: «همین‌که به من اطلاع

در مباحث قبل اشاره‌ای به این مسئله شد که بهائیت، برخلاف ادعای سران آن نه تنها یک آیین الهی نیست؛ بلکه سازمانی تشکیلاتی است که با فعالیت‌های سرسختانه و پیگیری‌های مستمر، در صدد نابود کردن جمیع ادیان موجود در جهان و رسیدن به حکومت جهانی است.

حال نوبت به آن می‌رسد که چهره‌ی ضد دینی این فرقه‌ی گمراه کننده بیش از پیش روشن گردد. رؤسای فرقه‌ی بهائیت و مبلغان آنان تلاش بسیار نمودند تا این فرقه‌ی انحرافی را یک آیین دینی معرفی کنند؛ از جمله‌ی این نقشه‌ها، تدوین «تعالیم بهائیت» است. این تعالیم که معمولاً در غالب دوازده اصل کلی، مطرح می‌شوند؛ ظاهری موافق ادیان الهی و ارزش‌های انسانی دارد؛ ولی با دقت در اعمال و سخنان سردمداران بهائیت از ابتدا تاکنون، به کنه ضد دین بودن این فرقه‌ی ضاله و اصول اعتقادی‌اش پی خواهیم برد. به جهت روشن شدن این مطلب، در این بخش به ذکر چند مورد از این اصول پرداخته می‌شود.

در ابتدا باید اشاره کرد که علت تجدید نبوت‌ها و همچنین نسخ شریعت‌ها و آمدن شریعت جدید از سوی خداوند متعال، رشد و تعالی بشر بوده است. شریعت جدید در ساحت معارف توحیدی و جهان‌شناختی به خاطر ارتقای فهم بشر و افزایش استعدادهای او، معارفی عمیق‌تر و گسترده‌تر را در اختیار بشر گذاشته است. در ساحت احکام و دستورات نیز در کنار ملاحظه‌ی نیازها و ضرورت‌های ثابت زندگی بشر، که لازمه‌ی اقتضائات نوین بشر بوده است، تغییراتی توسط شریعت جدید ایجاد می‌شده است. از این رو همواره شرایع بعدی نسبت به شرایع قبلی، کامل‌تر بوده‌اند.

بهاییان برای توجیه ضرورت بعثت حسینعلی، ادعا می‌کنند که بشریت در زمان وی، به حدی از بلوغ رسیده بود که می‌توانست تعالیم جدیدی را از طرف خداوند دریافت کند. دکتر اسلمنت در کتاب «بهاء الله و عصر جدید» در این باره می‌نویسد:

«مقام حضرت بهاءالله در میان انبیاء بی‌نظیر و فرید است؛ زیرا وضع دنیا در زمان ظهورشان بی سابقه و مثیل بود. بر اثر یک سلسله ترقیات و پیشرفت‌های مستمره در عالم دیانت و علم و صنعت و تمدن، موقعیت جهان به جایی رسیده بود که برای تعلیم وحدت و اتحاد آماده شده بود.» (محمود، 1353، ص 356)

بنابراین بهائیت تأکید فراوانی بر بدیع و جدید بودن تعالیم بهاءالله دارد؛ که باید در جای خود خلاف این ادعا با استناد به تعالیم اسلامی، اثبات شود.

از جمله اصولی که ضد دین الهی بودن این فرقه‌ی انحرافی را نمایان می‌کند، دو اصل «دین باید مطابق علم و عقل باشد» و «دین باید سبب الفت و محبت باشد.» (مصطفوی، 1386، ص 78) است

با دقت در توضیحاتی که بهاءالله و دوجانشین او و مبلغان بهایی، برای روشن شدن این دو اصل بیان می‌کنند؛ در می‌یابیم که این پیامبر مثلاً الهی نه تنها تعالیمی بدیع و جدیدی برای قومش نیاورده؛ بلکه با ذکر این گونه مطالب که دین باید مطابق علم و عقل باشد و ... پیروان خود را به شقاوت و نگون‌بختی رهنمود کرده است؛ زیرا نه تنها تعلیماتی که بیان داشته است، بجز شعارهای تو خالی چیز دیگری نیست، بلکه عدم مطابقت عقاید و نظرات آورنده‌ی این دین را با علم و عقل، اثبات می‌کند. آن‌جا که او برخلاف عقیده‌ی همه‌ی دانشمندان جهان، ادعا می‌کند که مثل همان طلا است، و یا آن‌جا که در این تعلیمات دوازده گانه، دین را باعث الفت معرفی می‌کند و می‌گوید:

«اگر دین هم که خود باید علاج اختلافات باشد، سبب اختلاف و جنگ و جدایی شود؛ بی‌دینی بهتر است.» (موجانی، 1384، ص 98) اما با رفتارهای خود در طول زندگیش، کل این تعالیم را زیر پا گذاشت و نقیض آن‌ها را اثبات کرد. مگر نه اینکه آورنده‌ی شریعت خود باید اول عمل‌کننده بدان باشد؟ به راستی بهاییان تاریخ پر از اختلاف و جنگ و جدایی بین رهبران این فرقه را چگونه می‌توانند توجیه کنند؟

سؤالی که در اینجا پررنگ‌تر از قبل مطرح می‌گردد این است که: علل حمایت استکبار جهانی از بهائیت چه می‌تواند باشد؟ با توجه به اشاراتی که در فصل گذشته، از حمایت‌های دولت‌های مستکبر روسیه، انگلیس و آمریکا در مورد بهائیت شد، پاسخی جز این نمی‌توان یافت که مستکبرین جهانی برای عملی کردن نقشه‌های ضد دینی خود در جامعه‌های اسلامی، به حمایت این گونه فرقه‌ها می‌پردازد.

نتیجه‌گیری

پس از مطالعه‌ی این نوشتار این نتیجه بدست می‌آید که بهائیان یک فرقه انحرافی، سازمانی و تشکیلاتی است که با کمک استعمارگران خارجی برای پیشبرد اهداف شوم آنها پایه‌گذاری شد و بیش از آنکه ماهیت اصلی این فرقه و برنامه‌ها و طرح‌های ضداسلامی و ضدانسانی این فرقه را بروز دهند؛ در صدد مظلوم‌نمایی‌های ظاهری و عوام‌فریبی در سطح گسترده می‌باشند. از این رو تبیین

تاریخ مفتضح بهائیت و رسوا نمودن تاکتیک‌های پنهانی تشکیلات بهائیت می‌تواند حقیقت تلخ و کشنده این مار خوش خط و خال را برای جوامع بشری روشن نماید. تاریخ نشان داده است که هرگاه بهائیت موفق به اخذ قدرت سیاسی شده است از تمام شعارهای فریبنده و نوع دوستانه‌ی خود فاصله گرفته و تنها در صدد ازدیاد قدرت سیاسی خود می‌باشد. بهائیت به عنوان فرقه انحرافی با زمینه‌های سیاسی‌ای همچون تبلیغ آیین، تشکیلاتی بودن آن و چگونگی عملکرد این تشکیلات، آموزش فرقه بهایی، حراست از تفکرات مذهبی و سیاسی فرقه، تقویت همبستگی بین بهاییان، تبلیغ سیاسی و حمایت‌های استعمارگران تاسیس و رشد نمود.

فهرست منابع

1. آیتی، عبدالحسین، **کشف الحیل**، چاپ سوم، تهران، بی‌نا، 1326
2. احسائی، احمد، **جوامع الکلم**، مجموعه رسائل شیخ احسائی نسخه چاپ سنگی، بی‌نا، بی‌تا
3. اسلمنت، جی‌ای، **بهاءالله وعصر جدید**، برزیل، دارالنشرالبهائیه فی البرزیل، بی‌تا
4. اشراق خاوری، عبدالحمید، **تقویم تاریخ امر**، بی‌جا، مؤسسه ملی مطبوعات امری، 1260 بدیع
5. _____، _____، **کنجینه حدود و احکام**، تهران، بی‌نا، ۱۳۴۰ ش
6. اعتضاد السلطنه، **فتنه باب**، با توضیحات عبدالحسین نوایی، تهران، بابک، ۱۳۶۲ ش
7. افراسیابی، بهرام، **تاریخ جامع بهائیت**، تهران، مهر فام، 1382 ش
8. خمینی موسوی، روح الله، **صحیفه امام**، چاپ اول، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله علیه، بی‌تا
9. دالگورکی، کینیا، **اسرار فاش شده**، ترجمه حیدر بهرمن، بی‌جا، انتشارات مجمع فرهنگی میثاق، بی‌تا
10. رایین، اسماعیل، **انشعاب در بهائیت**، تهران، موسسه تحقیقی رایین، بی‌تا
11. _____، _____، **حقوق بگیران دولت انگلیس در ایران**، چاپ نهم، بی‌جا، چاپخانه علمی، 1373

12. روزبهمانی بروجردی، علیرضا، **آشنایی با بهائیت**، چاپ اول، قم، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه، 1388
13. زاهد زاهدانی، سعید، **بهائیت در ایران**، چاپ دوم، بی جا، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1381 ش
14. زرندی، ملامحمد، **تاریخ نبیل زرنندی**، تهران، مرآت، 1991 م
15. شاهرخ، گریس و داریوش، **اصول دیانت بهایی**، بی جا، انتشارات ایمجازینترنشنال، بی تا
16. شاهرودی، احمد، **حق المبین**، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۲ ش
17. شمیم، علی اصغر، **ایران در دوره سلطنت قاجار**، چاپ یازدهم، تهران، مدبر، ۱۳۸۴ ش
18. شهبازی، عبدالله، **ظهور و سقوط سلطنت پهلوی**، چاپ نوزدهم، تهران، انتشارات اطلاعات، 1385
19. صبحی مهتدی، فضل الله، **خاطرات زندگی صبحی درباره بابی گری و بهایی گری**، چاپ سوم، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۰
20. عباسی هرازی، هادی وسخاوتیان، امیر، **بهائیت در برزیل**، چاپ اول، قم، انتشارات ائمه (علیهم السلام)، 1396
21. فاضل مازندرانی، اسدالله، **اسرار الآثار خصوصی**، تهران، مؤسسه مطبوعات امری، 1346 ش
22. _____، _____، **تاریخ ظهور حق**، بی جا، موسسه ملی مطبوعات امری، بی تا
23. فضایی، یوسف، **شیخی گری بابی گری بهایی گری کسروی گری**، بی جا، نشر آشیانه کتاب، 1392 ش
24. فیضی، محمد علی، **حضرت بهاء الله**، چاپ دوم، آلمان، محفل روحانی ملی بهاییان آلمان، بی تا
25. قدیمی، ریاض، **گلزار تعالیم بهایی**، چاپ دوم، کانادا، تورنتو، ۱۹۹۵ م
26. کرین، هانری، **مکتب شیخی**، ترجمه فریدون بهمن یار، تهران، تابان، 1346
27. محمد اشتهااردی، محمد، **ارمغان استعمار**، قم، نشر نسل جوان، 1356 ش
28. محمود، محمود، **تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن ۱۹**، چاپ چهارم، تهران، اقبال، ۱۳۵۳ ش

29. مصطفوی، حسن، **محاكمه و بررسی باب و بهاء**، چاپ چهارم، تهران، نشر علامه

مصطفوی، 1386

30. موجانی، علی، **بررسی مناسبات ایران و آمریکا**، چاپ دوم، تهران، انتشارات وزارت

امور خارجه، 1384